

مقایسه پرخاشگری و تنیدگی در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و غیر عقب‌مانده ذهنی

مهدی خانبانی^{*}، دکتر حمیدطاهر نشاط‌دوست^{**}

چکیده:

پژوهش حاضر به مقایسه پرخاشگری و تنیدگی در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی پرداخته است. نمونه مورد بررسی شامل ۴۰ زوج از والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر دختر و پسر که در مدارس استثنایی شهر اصفهان شاغل به تحصیل بودند و ۴۰ زوج از والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده دختر و پسر که در مقطع دبستان در شهر اصفهان مشغول به تحصیل بودند، می‌باشد. روش نمونه‌گیری برای والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی، به شیوه تصادفی - خوشه‌ای و در والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی به شیوه تصادفی ساده بود. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه پرخاشگری آیزنک (۱۹۶۳) و پرسشنامه تنیدگی فردریک و همکاران (۱۹۷۴) بود. نتایج تحلیل واریانس نشان داد، میزان پرخاشگری و تنیدگی والدین دارای دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی به‌طور معناداری از والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده بیشتر بود ($P < 0/05$). هم‌چنین بین میزان تنیدگی والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر از یک طرف و میزان و پرخاشگری آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$).
کلید واژه‌ها: پرخاشگری، تنیدگی، دانش‌آموز عقب‌مانده ذهنی، آموزش‌پذیر، والدین.

مقدمه

اگرچه ممکن است در مورد زمان داشتن فرزند بین زوجها تفاوت وجود داشته باشد، اما به‌طور معمول داشتن فرزند برای اکثر زوجها آرزو محسوب می‌شود. این امر برای زن و شوهرها دارای سختی‌ها و تنیدگی‌های فراوان است. از هنگام تصمیم‌گیری در مورد زمان بچه‌دار شدن زن و شوهر با تنیدگی‌های مختلفی مواجه هستند. یکی از مواردی که موجب تنیدگی زوجین می‌شود، نگرانی آن‌ها در مورد سلامت فرزندشان است. این نگرانی‌ها از موقع باروری و حتی قبل از آن تا تولد و مدت‌ها بعد از تولد به گونه‌های مختلف موجب تنیدگی می‌شود. تنیدگی وقتی افزایش می‌یابد که پدر و مادر اطلاع پیدا کنند، فرزند آن‌ها معلول^۲ جسمی و یا عقب‌مانده ذهنی^۳ می‌باشد. در چنین مواقعی هم‌چون مواجهه با موارد تنیدگی‌زای شدید، پدر و مادر دچار یک شوک شدید می‌شوند. معمولاً پس از گذشت زمان، والدین کودک عقب‌مانده ذهنی سعی می‌کنند به‌گونه‌ای یا بدون کمک دیگران با مشکل داشتن چنین کودکی کنار بیایند. به هر حال داشتن کودک عقب‌مانده ذهنی، همواره سختی‌ها و مشکلاتی را به همراه آورده، موجب تنیدگی می‌شود.

نگ اجتماعی، برخوردهای ناشایست و ترحم‌آمیز دیگران، نبودن امکانات خدمات ویژه این کودکان، فقدان آموزش کافی در مورد نحوه نگهداری این کودکان، نقص‌ها و بیماری‌های جسمانی همراه عقب‌ماندگی، مشکلات اقتصادی و مقایسه این کودکان به کودکان غیر عقب‌مانده توسط اقوام و نزدیکان و بالاخره درمان‌ناپذیری این کودکان، از جمله مشکلاتی هستند که می‌تواند به‌گونه‌ای منجر به ناکامی بروز اختلافات زناشویی، افسردگی، اضطراب،^۵ پرخاشگری^۶ و سایر مشکلات روان‌شناختی در والدین شود (هالاها و کافمن، ۱۹۹۶). برخورد والدین با تنیدگی‌های ناشی از داشتن کودک عقب‌مانده می‌تواند براساس ویژگی‌های شخصیتی، تحصیلات، وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، متفاوت باشد.

بر همین اساس تحقیقات نتایج مختلفی را در مورد اثرات به دنیا آمدن کودک عقب‌مانده ذهنی نشان داده‌اند. نتایج برخی از تحقیقات بین میزان تنیدگی و عملکرد روان‌شناختی والدین دارای کودک عقب‌مانده ذهنی و والدین دارای کودک غیر عقب‌مانده ذهنی تفاوت معناداری نشان نداده‌اند (کازاک و کریستاکیس^۷، ۱۹۹۴؛ سالیسبوری^۸، ۱۹۸۷). حتی بعضی از تحقیقات نشان داده‌اند که ورود کودک ناتوان به جمع خانواده نتایج مثبت و غیرمنتظره‌ای هم‌چون افزایش همبستگی را برای والدین به همراه داشته است (هالاها^۹ و کافمن^{۱۰}، ۱۹۹۶). در حالی که بعضی از تحقیقات نشان داده‌اند ورود کودک عقب‌مانده ذهنی در جمع خانواده موجب ناکامی و بروز مشکلاتی برای والدین و نیز اعضاء خانواده شده است (افروز، ۱۳۸۳؛ هالاها و کافمن، ۱۹۹۶؛ ملک‌پور، ۱۳۷۵؛ تونالی^{۱۱} و پاور^{۱۲}، ۱۹۹۳؛ ریث^{۱۳}، ۱۹۹۲).

هوشبهر فرد عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر بین ۵۰ تا ۷۰ و از لحاظ هوش و ادراک و مهارت‌های عملی حداکثر به کودکان ۷ تا ۱۱ سال می‌رسد. این افراد دارای ضعف قوای فکری هستند لذا قادر به قضاوت صحیح و استدلال مطلوب نیستند. از ابتکار، ابداع و انتقاد عاجزند؛ اگرچه به‌کندی می‌آموزند ولی در امور حرفه‌ای و عملی مهارت‌هایی نشان می‌دهند. این گروه ۸۵٪ از کل جمعیت عقب‌ماندگان ذهنی را تشکیل می‌دهند. این کودکان در گفتار، عقب‌ماندگی دارند و مفاهیم پیچیده را در نمی‌یابند. افراد این گروه اگر با شرایط تربیتی صحیح و راهنمایی تحصیلی در مدارس استثنایی حرفه‌ای مدارج رشد را بپیمایند و دچار اختلالات عاطفی و هیجانی و ناسازگاری‌های اجتماعی نشوند می‌توانند در شرایط مساعد از زندگی آرامی برخوردار شوند. این افراد فاقد تمرکز کافی و رغبت به کارهای فکری و ابتکاری هستند (افروز، ۱۳۸۳).

روش

روش این پژوهش، توصیفی - پیمایشی است. پدیده مورد بررسی در پژوهش حاضر مقایسه میزان پرخاشگری و میزان تنیدگی در میان والدین دارای دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی و والدین دارای دانش‌آموزان عادی می‌باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد مطالعه، والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر شاغل به تحصیل در پایه‌های اول و دوم مدارس استثنایی شهر اصفهان و کلیه والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی شاغل به تحصیل در پایه‌های چهارم و پنجم مدارس عادی شهر اصفهان. در فاصله سنی ۷ تا ۱۵ سال، بودند. از آن‌جا که عموماً میانگین سنی دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر شاغل در مدارس استثنایی، حدود ۳ سال از میانگین سنی دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده بیشتر است (افروز، ۱۳۸۳)؛ به‌منظور همسان‌سازی سنی کودکان دو گروه، کودکان غیر عقب‌مانده از کلاس‌های چهارم و پنجم انتخاب شدند. گروه آزمایشی شامل والدین ۴۰ نفر از کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر دختر و پسر بودند که به شیوه تصادفی - خوشه‌ای از کلاس‌های اول و دوم مدارس مربوط به سازمان استثنایی شهر اصفهان، انتخاب شدند. گروه کنترل شامل والدین ۴۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان، از نواحی پنج‌گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان بودند که به‌طور تصادفی انتخاب شدند. با توجه به این‌که نمونه پژوهش به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، پژوهشگران این‌گونه فرض کرده‌اند که والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی و والدین کودکان غیر عقب‌مانده ذهنی شرکت‌کننده در این پژوهش، از لحاظ متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همسان هستند. بدین ترتیب در پژوهش حاضر، ۸۰ نفر از والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و ۸۰ نفر از والدین

دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی به تکمیل پرسشنامه پرداختند. پرسشنامه‌های مربوط به والدین هر کودک عقب‌مانده ذهنی و غیر عقب‌مانده ذهنی با هم فکری والدین آن‌ها به‌طور مشترک تکمیل گردید. به‌عبارت دیگر هر زوج والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی یک پرسشنامه پرخاشگری و یک پرسشنامه تنیدگی تکمیل نمودند و بدین طریق نظرات مشترک والدین هر دانش‌آموز در یک پرسشنامه ارائه شده است.

ابزارهای پژوهش

ابزار پژوهش شامل سه پرسشنامه بود: پرسشنامه پرخاشگری آیزنک: این پرسشنامه در سال ۱۹۶۳ توسط آیزنک^{۱۴} به‌منظور بررسی میزان پرخاشگری تهیه گردید (بهشتی، ۱۳۷۵). میزان پایایی و روایی این پرسشنامه را با اجرا بر روی ۱۰۰ نفر آزمودنی مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش ضریب پایایی ۰/۹۰ و روایی ۰/۹۱ را نشان داده است. این آزمون دارای ۳۰ سؤال است که ۲۰ سؤال آن پاسخ مثبت و ۱۰ سؤال دارای پاسخ منفی می‌باشد. آزمودنی با پاسخ‌های بلی و خیر به پرسش‌ها جواب می‌دهد. حداکثر نمره ۳۰ و حداقل آن ۲۰ می‌باشد. نمره بالاتر از ۲۰ نشان‌دهنده پرخاشگری شدید، نمره ۱۲ الی ۲۰ پرخاشگری در حد متوسط و نمره زیر ۱۲ نشانه افراد دل‌رحم و خوش‌خلق می‌باشد (بهشتی، ۱۳۷۵).

پرسشنامه تنیدگی فرم فردریک: این پرسشنامه در سال ۱۹۷۴ به وسیله هولروید^{۱۵} به‌منظور اندازه‌گیری میزان تنیدگی خانواده‌ها یا خویشاوندانی که دارای یک کودک معلول یا ناتوان ذهنی هستند، ساخته شده است. این پرسشنامه دارای روایی و پایایی قابل قبول بوده، می‌تواند تنیدگی والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی را ارزیابی نماید و آن را از تنیدگی والدین کودکان غیر عقب‌مانده ذهنی متمایز سازد (بروان^{۱۶} و سیمونز^{۱۷}، ۱۹۷۵). این پرسشنامه دارای ۱۸۵ سؤال می‌باشد که به‌صورت بلی یا خیر پاسخ داده می‌شود. مشتمل بر ۱۵ مقیاس بالینی درباره تنیدگی و یک مقیاس دروغ‌سنج می‌باشد، افراد با تحصیلات ابتدایی به‌راحتی می‌توانند آن را تکمیل نمایند. در پایان از ۱۵ مقیاس بالینی یک نمره کلی بدست می‌آید.

پرسشنامه جمعیت‌شناسی: این پرسشنامه دارای سؤالاتی درباره مشخصات فردی دانش‌آموز و والدین، سن و جنس کودک، ترتیب تولد، وضعیت اقتصادی و میزان تحصیلات والدین می‌باشد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار میزان پرخاشگری و تنیدگی والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده آموزش‌پذیر و والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار پرخاشگری و تنیدگی در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی

تنیدگی		پرخاشگری		شاخص آماری آزمودنی‌ها
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۴/۶۵	۲۷/۰۲	۵/۰۳	۳۰/۲۵	والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی
۳/۸۱	۸/۲۶	۳/۳۳	۷/۱۵	والدین دانش‌آموزان عادی

به‌منظور مقایسه میزان پرخاشگری و تنیدگی دو گروه والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی و والدین دانش‌آموزان عادی از روش تحلیل واریانس یک متغیره استفاده گردید. نتایج تحلیل واریانس یک متغیره در مورد مقایسه ۲ گروه، با نتایج آزمون t یکسان است، علاوه بر این که آزمون تحلیل واریانس میزان تفاوت و توان آماری هر فرضیه را مشخص می‌کند (مولوی، ۱۳۷۹). در این تحلیل متغیرهای سطح اقتصادی و ترتیب تولد کنترل شدند.

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس و مقایسه میزان پرخاشگری و تنیدگی دو گروه والدین

توان آماری	میزان تفاوت	معنی دار بودن	ضریب F	واریانس	درجات آزادی	مجموع مجذورات	تحلیل آماری شاخص‌های مورد بررسی
۱	۰/۱۸	۰/۰۰	۲۰/۱۰	۹/۹۱	۱	۱۹/۸۲	پرخاشگری
۰/۹۹	۰/۱۵	۰/۰۰	۱۵/۹۳	۷/۹۸	۱	۱۵/۹۶	تنیدگی

همان‌طور که نتایج در جدول ۲ نشان می‌دهد، والدین دارای دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر به‌طور معناداری دارای پرخاشگری و تنیدگی بیشتری نسبت به والدین دارای دانش‌آموزان عادی هستند. میزان این تفاوت در مورد پرخاشگری ۰/۱۸ است و در مورد تنیدگی ۰/۱۵ می‌باشد، یعنی ۱۸٪ از واریانس تفاوت‌های دو گروه والدین در میزان پرخاشگری و ۱۵٪ از تفاوت دو گروه در میزان تنیدگی ناشی از دارا بودن کودک عقب‌مانده ذهنی و کودک غیر عقب‌مانده ذهنی است. به‌منظور بررسی ارتباط پرخاشگری و تنیدگی در دو گروه والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی، به‌طور جداگانه از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. این نتایج در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین پرخاشگری و تنیدگی دو گروه والدین

گروه	شاخص	متغیرها	ضریب همبستگی	P	N	r ²
والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی	پرخاشگری تنیدگی	پرخاشگری تنیدگی	۰/۴۷۱	۰/۰۰۶	۸۰	۰/۱۸۶
والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده	پرخاشگری تنیدگی	پرخاشگری تنیدگی	۰/۰۴۲	۰/۸۲۲	۸۰	۰/۰۶۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد بین پرخاشگری و تنیدگی در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر ارتباط همبستگی معنادار وجود دارد، در حالی که بین میزان پرخاشگری و تنیدگی در والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی همبستگی معنادار وجود ندارد. به‌منظور بررسی ارتباط بین تحصیلات و تنیدگی در دو گروه والدین دانش‌آموز عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی، به‌طور جداگانه از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. این نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین پرخاشگری و تنیدگی دو گروه والدین

گروه	شاخص	متغیرها	ضریب همبستگی	P	N	r ²
والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی	تحصیلات تنیدگی	تحصیلات تنیدگی	-۰/۳۵۳	۰/۰۵	۸۰	۰/۱۲۵
والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده	تحصیلات تنیدگی	تحصیلات تنیدگی	۰/۰۱۴	۰/۲۲	۸۰	۰/۰۰۵

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین میزان تحصیلات و پرخاشگری در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر همبستگی معنادار وجود دارد؛ در حالی که بین میزان تحصیلات و پرخاشگری والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی همبستگی معنادار وجود ندارد.

بحث

پژوهش حاضر به منظور مقایسه میزان پرخاشگری و تنیدگی والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان پرخاشگری و تنیدگی والدین دارای دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر به طور معناداری از میزان پرخاشگری والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی بیشتر است. این یافته‌ها با نتایج دایسون^{۱۸} (۱۹۹۱)، فری^{۱۹} و همکاران (۱۹۸۹)، تونالی و پاور (۱۹۹۳) همخوانی دارد.

نتایج همچنین نشان داد که بین پرخاشگری و تنیدگی در میان والدین دارای دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر، همبستگی معناداری وجود دارد. بدین معنی که با افزایش میزان تنیدگی، پرخاشگری افزایش می‌یابد و بالعکس. این یافته نیز با نتایج تحقیقات گلدشتاین^{۲۰} و گلیک^{۲۱} (۱۹۸۷) همخوان می‌باشد. بین پرخاشگری و تنیدگی والدین دارای دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی شرکت‌کننده در پژوهش، همبستگی معناداری یافت نشد. این یافته نیز با نتایج تحقیقات قبلی از جمله ریث (۱۹۹۲) همخوانی دارد.

همبستگی مثبت بین پرخاشگری و تنیدگی در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده آموزش‌پذیر و بالاتر بودن میزان پرخاشگری و تنیدگی این والدین نسبت به والدین دانش‌آموزان غیرعقب‌مانده، می‌تواند نشانگر آن باشد که داشتن کودک عقب‌مانده تأثیرات منفی قابل توجهی بر بهداشت روانی والدین کودکان عقب‌مانده دارد. از آن‌جا که کودکان عقب‌مانده مورد مطالعه در این پژوهش دارای سنین ۷ تا ۱۵ ساله بودند، می‌توان به این نتیجه رسید که اثرات منفی دارا بودن کودک عقب‌مانده بر والدین در طول زمان از بین نمی‌رود. هر چقدر والدین این کودکان با مشکلات فرزندان خود سازگار شوند و به این مشکلات عادت کنند، باز هم تأثیر منفی چنین مشکلی آن‌قدر شدید است که گذشت زمان منجر به سازگاری کامل با آن نمی‌شود. به عبارت دیگر، این کودکان می‌توانند در هر سنی مشکلات خاص سن خود را داشته باشند و این مشکلات تنیدگی‌هایی برای والدین به همراه خواهد داشت.

هم‌چنین نتایج نشان داد، بین میزان تحصیلات و پرخاشگری در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر همبستگی معناداری وجود دارد. این همبستگی منفی می‌باشد. بدین معنی که با افزایش میزان تحصیلات، پرخاشگری در این والدین کاهش می‌یابد. این یافته، با تحقیقات ساترلند^{۲۲} و کوپر^{۲۳} (۱۹۹۰) همخوان می‌باشد. این نتایج نشانگر آن است که تحصیلات در نحوه مقابله با تنیدگی‌ها اثر گذارده، می‌تواند به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شود. احتمالاً اثر منفی داشتن کودک عقب‌مانده ذهنی برای والدین تحصیل کرده نسبت به والدین دارای تحصیلات پایین‌تر، کمتر نمی‌باشد. اما تحصیلات، منابع و توانایی فرد را در مقابله با تنیدگی‌های ناشی از این مشکل

افزایش می‌دهد و موجب می‌شود فرد در مقابله با تنیدگی‌های ناشی از داشتن کودک عقب‌مانده ذهنی با روش‌های غیرپرخاشگرانه پاسخ دهد.

به‌طور کلی با توجه به مجموع نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی، بیش از والدین کودکان غیر عقب‌مانده ذهنی دچار تنیدگی و پرخاشگری می‌باشند و این می‌تواند ناشی از داشتن فرزند عقب‌مانده باشد. بنابراین به دلیل داشتن چنین مشکلاتی، این والدین نیاز به خدمات ویژه دارند. با توجه به نقش تحصیلات در کاهش پرخاشگری این والدین، فراهم داشتن آموزش‌های خاص برای این والدین می‌تواند به کاهش تنیدگی‌ها و پرخاشگری و به‌طور کلی ارتقاء بهداشت روانی آن‌ها مؤثر باشد.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------|-----------------|
| 1. Stress | 13. Rice |
| 2. Handicaped | 14. Eysenck |
| 3. Mentaly Retarded | 15. Holroyd |
| 4. Depression | 16. Brown |
| 5. Anxiety | 17. Simones |
| 6. Aggression | 18. Dyson |
| 7. Kazak & Christiakis | 19. Frey |
| 8. Salisbury | 20. Goldeshtein |
| 9. Hallahan | 21. Gilk |
| 10. Kafman | 22. Saterland |
| 11. Tunalı | 23. Cooper |
| 12. Power | |

منابع

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش کودکان و نوجوانان آهسته گام (عقب‌مانده ذهنی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهشتی، عفت‌السادات (۱۳۷۵). بررسی اثربخشی رفتار درمانی شناختی گروهی بر کاهش پرخاشگری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- ملک پور، مختار (۱۳۷۵). بهداشت روانی خانواده کودک عقب‌مانده ذهنی، تهران: تبیان.

Brown, S. & Simones, A. (1975). Health psychology. New York: John Wiley.

Daniel, P. H. & Kauffman, J. M. (1996). Exceptional children, New Jersey: Prentice-Hall, Inc.

Dyson, L. (1991). Families of young children: Parents stress and family functioning American Journal on Mental Retardation, 35 (6): 629-683.

Eysenck, H. J. (1963). Eysenck Aggression Questionnaire: A natural science approach. Plenum.

Frey, K.; Greenberg, M. & Fewel, R. (1989). Stress and coping among. American Journal on Mental Retardation, 94 (1): 74-79.

- Friedrich, W.N.; Greenberg, M.T. & Crnic, K. (1974). A short form of the questionnaire on stress and resources. *American Journal on Mental Deficiency*, 88, 41-48.
- Goldeshtein, A.P.E. & Gilck, B. (1987). Aggression replacement training: A comprehensive intervention for aggressive youth. IL: Research Press.
- Holroyd, J. (1974). The questionnaire on resources and stress: An instrument to measure family. *Journal of Community Psychology*, 22-94.
- Kazak, A. E. & Christiaks, D. A. (1994). Caregiving issues in family of with chronic mental consituation. Family caregiver applications series. New York: Sager Publication.
- Rice, L. P. (1992). *Stress and Health* (2thed). California: Books/Col. Publisher.
- Salisbury, C. L. (1987). Construct validity of the adapted questionnaire stress and short form. *American Journal on Mental Retardation*, 94 (1): 74-79.
- Saterland, M. & Cooper, C. L. (1991). *Health Psychology* (2nd). MacGraw Hill Inc.
- Tunali, B. & Power, T. (1993). Creating satisfaction: A psychological perspective stress and coping. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 34 (6): 943-966.

